

امکان‌سنجی به‌کارگیری رهیافت‌های توانمندسازی و بهسازی در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی (نمونه مطالعاتی: محله چمن کرمانشاه)^۱

محمدجواد بلخی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۲/۱۷

چکیده

باگسترش روزافزون شهرنشینی و برخلاف توسعه تکنولوژی و تدابیر مدیریتی روزبه‌روز معضلات شهری افزایش می‌یابد. یکی از زمینه‌های ناپایداری شهری به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، گونه‌ای از سکونت با مشکلات فراوان و موسوم به اسکان غیررسمی است. فشارها و تهدیدهای این نوع سکونت بر محیط و کالبد شهری را اگر باخطرات ناشی از ناپایداری کالبدی، که تهدیدی جدی برای ساکنان و سایر شهروندان می‌باشند را در نظر بگیریم لزوم توجه و برنامه‌ریزی برای ساماندهی وضعیت فعلی و جلوگیری از گسترش این سکونت‌گاه‌ها در آینده عیان می‌گردد. در سال‌های اخیر و با تغییرنگرش و رویکرد مواجهه با معضل اسکان غیررسمی در جهان و توجه به بهسازی و توانمندسازی این محلات، در ایران نیز سیاست‌های همانند با ابزارهایی مانند خودیاری اهالی، تسهیلات بانکی و اعتبارات دولتی مورد تأکید قرار گرفته است. شهر کرمانشاه به‌عنوان یکی از شهرهای درگیر با معضل اسکان غیررسمی دارای اسکان‌های متعدد نامتعارف است که یکی از این اسکان‌های غیررسمی به‌نام محله چمن دارای مشکلات فراوانی است. با انجام مطالعات از طریق مدارک و اسناد موجود و هم‌چنین توزیع پرسشنامه، به‌جمع‌آوری اطلاعاتی درباره مشکلات موجود و وضعیت ساکنان محله پرداخته است و با تحلیل داده‌ها و استفاده از تجربیات توانمندسازی و بهسازی در ایران و سایر نقاط جهان بررسی و امکان‌سنجی این سیاست‌ها در نمونه موردی و پیشنهاد راهبردهایی مناسب جهت ساماندهی نمونه موردی پرداخته شده است. از نتایج به‌دست‌آمده این پژوهش می‌توان به این مهم اشاره کرد که انجام توانمندسازی و بهسازی محله در گروهی تغییر نگرش ساکنان و جلب اعتماد آنان است و با انجام این امور می‌توان به افزایش رفاه و پایداری اقتصاد شهری شهروندان و ساکنان امیدوار بود.

واژگان کلیدی

ساماندهی اسکان غیررسمی، توانمندسازی، بهسازی، محله چمن کرمانشاه

Email: javadbalkhi@yahoo.com

* کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

۱- مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدجواد بلخی به راهنمایی دکتر کیانوش ذاکر حقیقی با عنوان "بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر پایداری کالبدی و محیطی" (نمونه موردی محله چمن شمالی کرمانشاه) است که در بهار ۱۳۹۲ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان ارائه شده است.

بیان مسئله

اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیررسمی بکار می‌رود. از این رو اصطلاح اسکان غیررسمی شامل حاشیه‌نشینی و اشکال متعدد است (کمان رودی، ۱۳۷۷: ۱۹۰). در کشورهای جهان سوم به دلیل تحولات اقتصادی در نظام تولید که در طی دهه‌های اخیر روز پیداکرده غالب مردم که قبلاً در روستاها اسکان داشته‌اند، دست به مهاجرت گسترده به شهرها زده‌اند و در محله‌های مهاجرپذیر که عموماً در حاشیه شهرها رشد کرده، سکنی می‌گزینند (قرخلو ومیره، ۱۳۸۶: ۱۱۳). سابقه ایجاد اسکان غیررسمی در ایران به حدود ۸۰ سال قبل باز می‌گردد. آنچه در ایران رخ داد نه برخاسته از شرایط و ضرورت‌های داخلی، بلکه توسعه برونزا و در ارتباط با نیاز مراکزی بود که فرسنگ‌ها دور بودند و برای ادامه‌ی بقای نظام اقتصادی خود نیازمند افزودن نقاط و محدوده بیشتری به حوزه نفوذ خود بودند؛ این وضعیت سرنوشت مشترک بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته بود. نتیجه آن شد که شهرها بدون ارتباط باهم به‌صورت گسسته در جهت ارضای نیاز سرمایه‌داری و برای مصرف، رشد خود را آغاز کردند (ایران‌دوست، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۷). اسکان غیررسمی در ایران به دلیل فرایند سریع شهرنشینی بعد از اصلاحات ارضی، به یک معضل جدی شهرهای بزرگ به‌خصوص کلان‌شهرها تبدیل شده و باوجود به‌کارگیری روش‌های مختلفی همچون تخریب، محرومیت قانونی و عدم امکان دسترسی به شبکه‌های زیربنایی، روزبه‌روز بر گسترش محدوده و ابعاد مختلف آن افزوده‌شده و هم‌اکنون بعد از موفقیت‌های جهانی سیاست توانمندسازی در حاشیه شهرها، ایران نیز به‌کارگیری این سیاست را در کلان‌شهرها در دستور کار قرار داده است (پیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۱). کرمانشاه از جمله شهرهایی است که رشد سریع شهرنشینی را در چند سال گذشته تجربه کرده و در حال حاضر این شهر با پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی مواجه است. سکونتگاه غیررسمی چمن در حاشیه غربی کمربندی کرمانشاه و در غرب سکونتگاه غیررسمی کولی آباد قرار دارد و در میان سکونت‌گاه‌های غیررسمی کرمانشاه دارای وضعیتی نامناسب است. ناحیه مذکور با تجمع اقشار کم‌درآمد و نابسامانی‌های مدیریتی دارای مشکلات عدیده زیست‌محیطی، جرم و بزهکاری است. این سکونت‌گاه از معدود سکونت‌گاه‌های غیررسمی کشور است که علیرغم نامطلوبیت محیط (قرار داشتن در مسیل) و عوامل تعیین‌کننده‌ای همچون نامطلوب بودن منابع تأمین آب و کمبود زیرساخت‌ها شکل گرفته است. هم‌چنین این محله شاهدهی است بر نقض اصول مطرح در سند ملی توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مصوب ۱۳۸۲ هیئت‌وزیران)، چراکه بخشی از این سکونت‌گاه در بهمن ۱۳۸۷ تخریب گردید. به باور آگاهان مسائل شهری و اجتماعی، پاسخ به مسئله اسکان غیررسمی در پذیرفتن واقعیت موجود این اسکان نه به سبب "راه انداختن جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی" بلکه به سبب عدم پاسخگویی به نیاز مبرم مسکن گروهی از هموطنان تهیدست در برنامه‌های اجراشده کشور است که می‌باید با حمایت و هدایت بخش‌های دولتی و عمومی و انگیزش توان درونی این اجتماعات به راه‌حلی بهینه در شرایط کنونی دست پیدا کند. این انگیزش دوسویه، که در واقع با ظرفیت‌سازی ناشی از به رسمیت شناختن حق سکونت حاصل می‌گردد، گام نخست برای توانمندسازی ساکنان محسوب می‌گردد. و توانمندسازی ساکنان سکونتگاه غیررسمی با انگیزه‌ی ساماندهی می‌تواند با محوریت بسیج آنان برای بهسازی و ارتقاء شرایط محیطی و کالبدی، جامعه‌ی عمل ببوشد و در این فرایند به تدریج زمینه‌ی یکپارچگی همه‌جانبه‌ی اجتماعی-اقتصادی و کالبدی با شهر فراهم گردد. نگارندگان جهت ساماندهی این سکونتگاه غیررسمی، شیوه بهسازی و ارتقای شرایط محیطی و کالبدی را پیشنهاد می‌کنند و هدف خود را بهتر کردن شرایط زندگی در این محله و ارتقای سطح زندگی ساکنان به سطح زندگی دیگر شهروندان شهر کرمانشاه می‌داند. لذا برای شناخت عناصر و اجزای بهسازی به دیدگاه سازمان ائتلاف شهرها مراجعه گردیده است: (Cities Alliance, 1992: 2)

- ایجاد یا اصلاح زیرساخت‌های اصلی از جمله شبکه آب، ایجاد یا نوسازی شبکه جمع‌آوری و دفع پساب‌ها و فاضلاب و جریان آب‌های سطحی، سیلاب‌ها، برق و روشنایی عمومی .
- حذف کردن و یا کاهش خطرات محیطی و ایمن کردن محیط.
- ایجاد محرک‌هایی برای مدیریت و حفظ ساختار اجتماعات محلی.
- ساخت یا نوسازی تسهیلات اجتماعات محلی نظیر مهدکودک‌ها، ایستگاه‌های بهداشتی، فضای باز اجتماعی.
- قانونی کردن و به رسمیت شناختن حق سکونت.
- بهبود برخورداری از مسکن (شاخص‌ها).
- جابجایی در صورت ضرورت و پرداخت خسارت برای تعداد معدودی از ساکنان که برای بهبود شرایط سکونتگاه زندگی‌شان دچار لطمه می‌شود.
- بهبود دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش، هم‌چنین برنامه‌های حمایتی برای پرداختن به امنیت، خشونت و غیره.

• ارتقای فرصت‌های درآمدی از طریق آموزش و ترویج خرده‌صندوق‌ها.

رویکردهای پایه در برخورد با اسکان غیررسمی

از آغاز فراگیر شدن پدیده‌ی اسکان غیررسمی در آغاز قرن بیستم، همواره حکومت‌ها در سطوح کلان به دنبال راه‌حلهایی برای این پدیده بوده‌اند که این راه‌حل‌ها بنا بر شرایط محلی و میزان قدرت حاکمان متفاوت بوده است. تا ابتدای دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر نگرش لیبرالی، حداقل دخالت دولت در امر مسکن و همچنین پدیده‌ی بدمسکنی و سکونتگاه‌های غیررسمی دستور کار بسیاری از دولت‌ها بود. بر این اساس نادیده گرفتن غالباً با این فرض بود که این سکونتگاه‌ها اجتناب‌ناپذیر و اما پدیده‌ای گذرا هستند که با توسعه‌ی اقتصادی و به‌مرور زمان مشکل آن‌ها برطرف خواهد شد. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی دوران اوج و فراگیری شیوه حذف و تخلیه اجباری بخصوص در کشورهای با نظام متمرکز سیاسی و حکومت‌های خودکامه‌ی بی‌توجه به مردم‌سالاری یا کشورهایی که در حکمروایی و مدیریت شهری ضعیف بودند، است. در این روش منطقه‌ی غیررسمی یا زاغه‌ای تخریب می‌شود به طوری که شکل قبلی خود را از دست می‌دهد و فقط واحدهایی که دارای شرایط مناسبی برای زندگی هستند حفظ می‌شوند (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۱۱۴). تترتر بر اساس تجربه‌ای که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در پرو اندوخت، تأکید کرد خانواده‌ها مسکن خود را با توجه به درآمد و پس‌انداز و با اتکا به نیروی کار خود به نحو فزاینده‌ای اصلاح می‌کنند، او ایدئالیسم اجتماعی رادرفال را از طرح‌های دولت‌مدار مکان-خدمات و تا حدی طرح اصلاح محلات فقیرنشین ارایه کرد (Pugh, 2000: 327-326). مکان و خدمات درموردی نیز با ساخت و تدارک قسمتی از مسکن، از جمله پایه و ستون‌ها و یا سقف همراه است که البته این روش هزینه را افزایش می‌دهد و با توجه به متولی بودن دولت‌ها برای ساخت با مشکل مواجه است (UNESCAP, 2001: 4). البته پیام اصلی ترنر این بود که دولت‌ها باید خودیاری خودانگیز را سازمان‌دهی کنند و دولت‌ها خودیاری حمایت‌شده (Aided Self-Help) را تسهیل و ایجاد کنند. که متأثر از این نظرات، خودیاری حمایت‌شده در سه شکل اصلی ارتقا بخشی و بهسازی زورآبادها، طرح‌های مکان و خدمات و طرح‌های مکان و خدمات و طرح‌های مسکن هسته یا خانه‌سازی کانونی نمود یافت (پاتروایوانز، ۱۳۸۴: ۲۳۰). از دهه ۱۹۶۰ به بعد با مشاهده‌ی استمرار و تشدید روند مسئله‌ی مسکن باعث شد تا سیاستمداران، مدیران، اندیشمندان و برنامه‌ریزان شهری توجه خاصی به این موضوع داشته باشند. لذا مؤسسات ویژه‌ای برای حل مسکن کم‌درآمدها ایجاد شد و برنامه‌ی خانه‌سازی اجتماعی یا به عبارتی ساخت واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت ویژه‌ی کم‌درآمدان شهری سیاست بسیاری از کشورهایی که با پدیده‌ی حاشیه‌نشینی روبرو بوده‌اند قرار گرفت (صراف، ۱۳۸۱: ۸). از دهه ۷۰ رویکرد جدیدی که به شیوه ارتقا بخشی (بهسازی) شهرت یافت رواج پیدا کرد. از جنبه مدیریتی-سیاسی، رویکرد ارتقا بخشی برآمده از این تفکر مشهور است که "اگر نمی‌توانید با آن‌ها مبارزه کنید، به آن‌ها بپیوندید"، که به‌نوعی بر ناچاری مدیریت در پذیرش واقعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی و لزوم ارائه برنامه‌های قابل‌پذیرش و اصلاحی و بهسازی با توجه به وضعیت موجود دلالت دارد (UNESCAP, 2001: 7). توانمندسازی راهبردی نوین که از دهه ۱۹۸۰ میلادی در کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا مورد استفاده قرار گرفته است که سعی دارد هم ضعف‌های روش‌های گذشته مانند نادیده گرفتن اقتصاد خانوار و عدم استفاده از توان جمعیتی را بپوشاند و هم قابلیت استفاده برای سکونت‌گاه‌های موجود را داشته باشد. بنابراین بر توانایی درونی حاشیه‌نشینان و حمایت‌های بیرونی از طرف دولت متکی است (پورمحمدی و جهان‌بین، ۱۳۸۸: ۳۸).

پیشینه پژوهش

از سال ۱۹۵۰ بحث‌هایی مرتبط با حاشیه‌نشینی در جهان مطرح شد که تحلیل‌های متفاوتی را در برداشت. محققان و نظریه‌پردازان زیادی در سراسر جهان به پژوهش و تحقیق در این مورد پرداخته‌اند که در اینجا به ذکر تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم: گیلبرت سکونت‌گاه‌های غیررسمی را محصول توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت و خدمات در سطوح ملی و منطقه می‌داند که این امر در کشورهای جهان سوم وضعیت حادثتری نسبت به کشورهای پیشرفته به وجود آورده و به این نتیجه رسیده که این سکونت‌گاه‌ها در ایجاد مسکن، اشتغال، آموزش و بهداشت وضعیت ناگواری را بر شهر اصلی تحمیل نموده‌اند (Gilbert, 1994: 68). جان ابوت در کتاب خود تحت عنوان (ارتقاء سکونت‌گاه‌های غیررسمی جهت تلفیق آن‌ها با شهر رسمی) بایان این‌که ناهماهنگی‌های فرهنگی، تفاوت در شیوه‌ی زندگی حاشیه‌نشینان شهرنشین، پایین بودن سطح سواد، تغییر ماهیت حرفه و زندگی حاشیه‌نشینان در شهر شده و افزایش ناهمگنی‌های اجتماعی سبب افزایش بزهکاری و تفاوت آن‌ها با شهر اصلی می‌شود، این وضعیت آن‌ها را از تبدیل به نقطه شهری و هویت‌یابی زندگی شهری بازداشته است (Abbott, 2000: 18). لانا و هیراسلس در مطالعه‌ای از وضعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی در جاکارتا به این نتیجه رسیدند که ساکنان این سکونت‌گاه‌ها در ابتدای تشکیل خود از یک انسجام اجتماعی و فرهنگی محکمی برخوردارند ولی به مرور زمان و در اثر تبدلات شدید فرهنگی با مادر شهر خود به یک تمایز فرهنگی و اجتماعی در درون خود دست می‌یابند. به باور آن‌ها این تمایزات را باید در چارچوب اشاعه و گسترش فرهنگ، ثروت و خدمات از مادرشهر به پیرامون بررسی کرد (Lana & Heracles, 2002). در کشور ایران با فراگیر شدن مباحث نظری ساماندهی و بهسازی برنامه محور، پژوهشگران بارویکرد روش گرا، به ارائه برنامه‌هایی به‌منظور ساماندهی

سکونت‌گاه‌های غیررسمی مبادرت ورزیدند (پورا احمد، ۱۳۸۹: ۳۱). محمدمیره در پژوهشی با عنوان "بررسی و ساماندهی اسکان غیررسمی شهر قم" در خصوص علت شکل‌گیری سکونتگاه غیررسمی به این نتیجه رسیده که «اسکان غیررسمی در کشورما، همگام با دیگر مشکلات شهری، از گسیختگی اقتصادی (وجه اول) و گسیختگی اجتماعی (وجه دوم) گسیختگی ارتباط شهر و روستا و همچنین به هم ریختن پیوند ارگانیک سلسله‌مراتب سکونتگاهی در عرصه جغرافیایی (وجه سوم) کشورمان با مباشرت دولت به وجود آمده است.» (میره، ۱۳۸۴: ۱۲). حاتمی نژاد و همکار با بررسی تطبیقی برخی شاخص‌ها در دو سکونت‌گاه غیررسمی اطراف تهران (حصار امیر و شهرک انقلاب) به این نتیجه رسیده‌اند که این سکونت‌گاه‌ها با توجه به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در وضعیت نامطلوبی بوده و با شهر اصلی اختلاف چشمگیر دارند و این مسئله با مقایسه شاخص درآمد ساکنان این اسکان‌ها که موجب بالا رفتن میزان تراکم نفر در اتاق و تأمین خدمات زیربنایی از طریق غیرقانونی و همچنین وضعیت نامطلوب سرانه‌های مختلف مسکونی، آموزشی، بهداشتی، فضای سبز و ورزشی در سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه حاصل آمده است (حاتمی نژاد و حسین اوغلی، ۱۳۸۸: ۲۶). شفیعا و همکار با انجام پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی نمونه: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو" کلید دست‌یابی به‌پایداری اجتماعی در این اسکان غیررسمی را استفاده از سرمایه اجتماعی غیررسمی و اتصال مردمی به نهادهای رسمی می‌دانند و برنامه‌هایی که توسعه‌یافتگی فردی را به توسعه‌یافتگی اجتماعی تبدیل کند را برنامه ظرفیت‌سازی مناسب به شمار می‌آورند (شفیعا و شفیعا، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

از آغاز توجه به اسکان غیررسمی به‌عنوان یک مسئله شهری فراخور زمان و بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی؛ درجای‌جای جهان رویکردهای مختلفی برای حل این مسئله در دستورکار بوده است. در دوره‌ای و تحت تأثیر شرایط مصالح سیاسی تشکیل و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی در آمریکای لاتین و آسیا (لیما، آنکارا، کاراکاس) در دوره‌های مختلفی نادیده گرفته شد (گیلبرت و گاکلر، ۱۳۷۵: ۲۴۲). پس از این دوره و به‌خصوص در کشورهای دیکتاتور و نظام‌های دیکتاتور محافظه‌کار و بانگرس پدرسالارانه رویکرد تخریب و حذف اجباری در دستور کار قرار گرفت که تجربه این نوع برخورد را در نقاط مختلف جهان می‌توان به خاطر آورد از جمله مانیل، نابروبی، سئول، تهران و... هرچند این شیوه در حال حاضر منفورترین شیوه به شمار می‌رود گرچه نمونه‌هایی مانند جابه‌جایی خودخواسته و بر اساس مذاکره، متصرفان حوزه اطراف خط آهن در فیلیپین و هند نیز وجود دارد که براساس همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، غیردولتی و دولت‌ها شکل‌گرفته و اثرات سوء بازستانی و جابجایی را به حداقل رسانده است (وزرای مسکن و شهرسازی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۷: ۱۰۹). خودیاری شیوه‌ای است که به‌خصوص در آفریقا و آمریکای لاتین انجام گرفته و می‌گیرد. در این قاره‌ها دیوارهای ساخته‌شده ازنی به چوب و سپس به دیوارهای آجری یاسیمانی بدل شده‌اند. برنامه‌های مسکن عمومی ابتدا در کشورهای جنوب شرق آسیا رواج یافت، برنامه خانه‌سازی عمومی سنگاپور، آغاز این شیوه بود و به‌طور متناوب این شیوه ادامه داشته است؛ برنامه خانه‌سازی دولتی نیجریه، مصر، کنیا، فیلیپین، پاکستان ناتوانی دولت‌ها را در تأمین اعتبار و یارانه‌ای لازم برای تمام نیازمندان روشن کرد (چیمبا، ۱۳۷۹: ۱۶۱). نخستین طرح مکان و خدمات با حمایت بانک جهانی در داکار سنگال و در حاشیه شهر که زمین ارزان بود، به‌اجرا درآمد (لاکویان، ۱۳۶۴: ۳۵). در کشور عربستان به دلیل هجوم تعداد زیاد جمعیت روستایی و بیابانی به شهرها، که منجر به گسترش حاشیه‌نشینی و مسکن غیر برنامه‌ای بود، برنامه‌ای گسترده آغاز گردید و در مجموع در بیست سال اخیر ۱۲۰۰۰۰۰ قطعه زمین با مساحتی بین ۴۰۰ تا ۹۰۰ مترمربع، همراه وام‌های بیست‌ساله با بازپرداخت ۸۰٪، به‌وسیله شهرداری به افراد دارای شرایط واگذار گردید (جوان، ۱۳۸۴: ۶۹). اما در تانزانیا و زامبیا زمین بدون خدمات به اجرا درآمد (شوگیل، ۱۳۸۲: ۴۹). برنامه بهسازی کامپونگ^۲ اندونزی از جمله نمونه‌هایی موفق در بهسازی است که در پی آن برنامه‌های تکمیلی دیگری مانند برنامه هماهنگ توسعه زیرساخت‌های شهر، ارائه شد. نسل جدید این پروژه‌ها با حضور فعال‌تر حکومت شهری، مشارکت بیشتر و مسئولیت فزاینده‌تر ساکنان محلی و با حمایت برنامه‌های دیگر برای انسجام بین برنامه‌ریزی کالبدی، مالی و اجرای زیرساخت‌های شهری طراحی و اجرا شد (وزرای مسکن و شهرسازی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۷: ۱۰۶). در پروژه بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی کنیا^۳ که باهدف بهبود شرایط زندگی و معیشت جوانان اسکان‌های غیررسمی و از طریق آموزش‌های حرفه‌ای، کارآموزی و مهارت‌ساخت‌وساز انجام شد، در سال اول اجرای برنامه در مجموع سیصد نفر از شش سکونت‌گاه غیررسمی در کارهایی مرتبط با آموزش خود مشغول گردیده‌اند (UN-HABITAT, 2008). در خصوص توانمندسازی تجربیات مختلفی در زمینه‌های گوناگون وجود دارد؛ در شیرآباد زاهدان فقط با بهره‌گیری از انگیزه بسیار بالا در نزد مالکان برای صدور سند مالکیت، ساکنان داوطلبانه به تخریب بخش‌هایی از بافت محله پرداختند و بدین ترتیب بیشتر از ۶۰ هزار مترمربع زمین برای مصارف عمومی و تعریض معابر تأمین شد (پیران، ۱۳۸۲: ۲۲). دفتر توسعه‌ی جامعه شهری تایلند (UCDO)^۴ با ایجاد صندوق‌های خرده وام کم‌بهره به‌وسیله ساکنان و سازمان‌های بخش خصوصی با حمایت و هدایت‌گری دولت‌ها که به‌قصد افزایش توان مالی ساکنان تأسیس و پیگیری گردید تجربیات موفق‌تری در این خصوص دارد (Mitlin &

2. Kampung
3. Kenya Slum Upgrading Project (KENSUP)
4. Urban Community Development Office

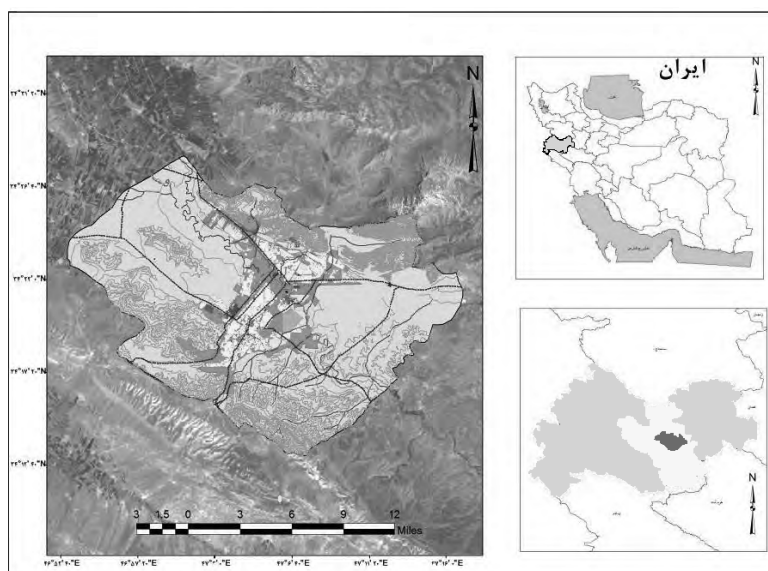
(Satterhwaite, 2004: 26-53). گروه ویکتوریا منگ^۵ و^۶ در آفریقای جنوبی که توسط عده‌ای از زنان که در همسایگی هم بودند تأسیس و اقدام به ایجاد صندوق پس‌انداز مسکن کردند و با پس‌اندازهای اندک خوددرمدت پنج سال ۱۴۰ منزل باکیفیت خوب ایجاد نمودند (Ibid: 197-200).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در بررسی حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی و به‌صورت مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای بین وضعیت زندگی ساکنان محله چمن و سایر شهروندان کرمانشاهی بوده است. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز در این پژوهش در دو قسمت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. برداشت میدانی از طریق نمونه‌گیری و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. در تحقیق حاضر ۱۲۰ نمونه مورد پرسش قرار گرفتند. لازم به ذکر است که تا زمان نگارش این مقاله آخرین داده‌های بروز مورد نیاز در این تحقیق برای سال ۱۳۹۰ در سطح شهر کرمانشاه وجود داشت که از نتایج آمار همان سال استفاده گردیده است.

ویژگی‌های منطقه مورد مطالعه

شهر کرمانشاه به‌مثابه‌ی دومین شهر بزرگ و پرجمعیت منطقه‌ی غرب و شمال غربی کشور (پس از تبریز) و بزرگ‌ترین شهر استان کرمانشاه، در میان مراکز استان‌های کشور (پس از تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، اهواز و قم) در رده‌ی هشتم جمعیتی جای دارد. این شهر در گذشته به‌عنوان یک شهر مهاجرپذیر در منطقه معرفی گردیده است این مهاجرپذیری در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ شدت زیادی داشت. افزایش جمعیت در شهر کرمانشاه که موجب توسعه و گسترش تدریجی شهر گردید و سبب شد که فاصله شهر و روستاهای مجاور شهر کاهش یافته و به‌تدریج این روستاها در شهر ادغام شده و جزئی از کالبد شهر محسوب گردند و علاوه بر آن اسکان‌های دیگری در حاشیه شهر ایجاد گردند بر این اساس ۱۳ اسکان نامتعارف در کرمانشاه قابل تشخیص است. محله چمن با مساحتی در حدود ۱۱/۶۴ هکتار (۰/۰۰۱۲٪ از مساحت شهر در سال ۱۳۹۲) در حاشیه غربی کمربندی غربی شهر کرمانشاه واقع شده است. در واقع کمربندی غربی محله چمن را از شهر جدا کرده است. هسته‌ی اولیه این محله بلوک‌های مستطیل شکل منظمی است که به‌موازات کمربندی و طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی احداث گردیده است. بخش اصلی محله بر روی قسمت مرتفع (تپه‌ای) قرار دارد و عمدتاً کوچه‌های آن شرقی-غربی و موازی بوده که همگی با شیب بسیار تند به سمت معبر اصلی محله کشیده شده‌اند. بخش شمالی این محله مساحتی در حدود ۱۵/۹۲ و در عمق دره و به سمت شمال احداث شده بود که به علل مختلف شورای تأمین استان پس از جلسات متعدد تصمیم به تخریب این بخش گرفت و در بهمن ۱۳۸۷ منطقه مورد نظر تخریب گردید. اطلاعات جمعیتی این محله و شهر کرمانشاه بر اساس نتایج سرشماری سراسر نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، در (جدول ۱) آمده است.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه- شهر کرمانشاه

جدول ۱- مقایسه نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ شهر کرمانشاه و محله چمن

موقعیت	جمعیت	مساحت (هکتار)	تعداد خانوار	تراکم نسبی	بعد خانوار
محله چمن	۵۳۰۲	۱۱/۶۴	۱۲۲۹	۴۵۵/۵	۴/۳۱
کرمانشاه	۸۵۷۰۴۸	۹۵۶۷	۲۴۳۸۱۲	۸۹/۶	۳/۵۲

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

یافته‌های پژوهش

الف) مهاجرت در محله

بر اساس نتایج تحقیقات میدانی نگارندگان ۸۱/۶۷٪ از سرپرست خانواده‌های پرسش‌شونده در محله موردنظر متولد شهر کرمانشاه نیستند و مهاجر می‌باشند این در حالی است که تنها ۱۸/۳۳٪ خانواده‌های موردتحقیق، کل اعضای خانواده مهاجر بوده و متولد شهر کرمانشاه نیستند. از نظر تعداد نفرات در کل جامعه آماری نیز ۷۴/۱۳٪ متولد شهر کرمانشاه هستند. که مقایسه‌ی محل تولد سرپرست خانوار و اعضای خانوار گویای این مسئله است که نسل جدید متولد شهر هستند و بنابراین توقعات و انتظارات متفاوتی نسبت به نسل قبل از شهر دارند. مبدأ مهاجرت سرپرست خانوارهای مهاجر در (جدول ۲) آمده است.

جدول ۲- مبدأ مهاجرت ساکنان محله چمن

مبدأ مهاجرت	محلات دیگر شهر	شهرهای دیگر استان	شهرهای استان‌های هم‌جوار	روستاهای استان	روستاهای استان‌های دیگر	مجموع
درصد	۵/۸۳	۱۴/۱۷	۶/۶۶	۴۹/۱۷	۱۱/۶۷	۸۷/۵

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

با بررسی انجام‌گرفته بر روی جامعه آماری موردنظر، و پاسخ‌های خانواده‌هایی که سرپرست آن‌ها مهاجر هستند مشخص گردید که علت اصلی مهاجرت کار و مسائل معیشتی بوده و ارزیابی مسکن و روابط خویشاوندی و نزدیکی به اقوام نیز در این مسئله نقش مهمی دارند (جدول ۳).

جدول ۳- علت مهاجرت به محله چمن

درصد	علل مهاجرت به محله چمن
۴۹/۵۲	کار و معیشت
۰/۹۶	تحصیل
۱/۹	ازدواج
۱۷/۱۴	روابط خویشاوندی و نزدیکی به عنوان
۲/۸۵	بلایای طبیعی
۵/۷۱	جنگ
۲۰	ارزان بودن سکونت در محله
۱/۹	سایر
۱۰۰	مجموع

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

بر اساس تحقیقات انجام‌شده بیشتر ساکنان درموطن اصلی خود مالک خانه و یا زمین نیستند که این امر موجب کاهش تعلق خاطر و وابستگی مهاجران به مبدأ مهاجر می‌گردد و با کاهش این ارتباط احتمال بازگشت مهاجران به موطن اصلی خود نیز کاهش می‌یابد که این مسئله می‌تواند ناشی از فقر باشد و مهاجر با فروش خانه وزندگی خود مهاجرت را برای خود و خانواده‌اش میسر می‌سازد و درواقع پل بازگشت را از بین می‌برد. در تحقیق صورت گرفته از مهاجرین بامبدا اولیه شهری، ۲۵٪ دارای خانه هستند و بر همین مبنا در مهاجرین با مبدا اولیه روستایی، ۱۷/۸٪ درروستای خود مالک خانه می‌باشند (جدول ۴).

جدول ۴- مالکیت مهاجرین درمیدان مهاجرت

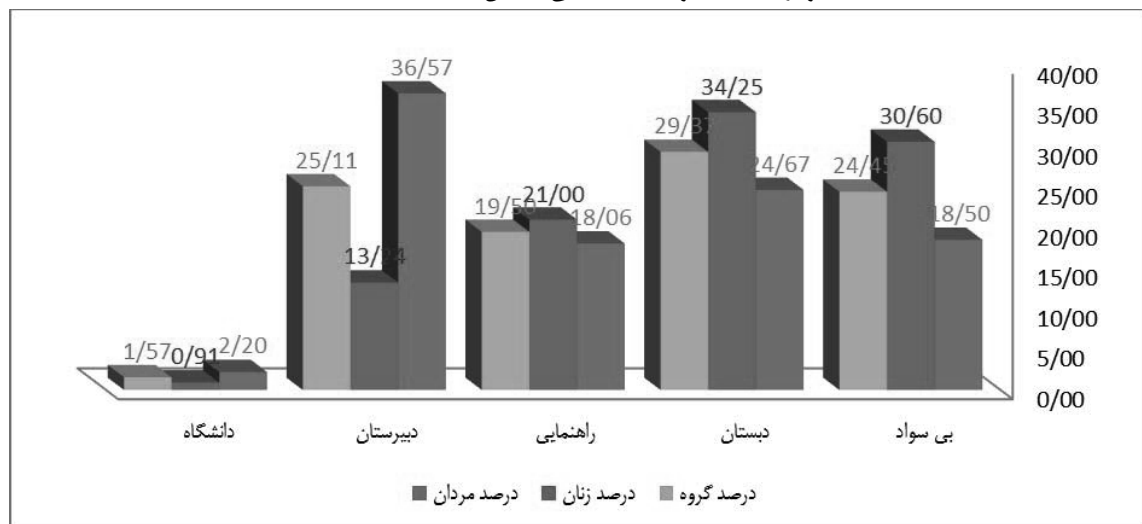
گروه مهاجر	دارای خانه	دارای زمین	دارای دام	مجموع
مهاجرین با مبدأ روستایی	۱۷/۸	۱۲/۳	۶/۸۵	۱۰۰
مهاجرین با مبدأ شهری	۲۰	۸	۰	۱۰۰

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

ب) سواد

در تحقیق میدانی صورت گرفته، از مجموع افراد بالای ۶ سال ۲۴/۴۵٪ افراد بی‌سواد هستند. این رقم در بین دو جنس زن و مرد ساکن در محله بسیار متفاوت است و درصد بی‌سوادی زنان ۳۰/۶٪ که اندکی کمتر از دو برابر مردان یعنی ۱۸/۵٪ است. در بین گروه‌های مختلف باسواد در کل جمعیت، بالاترین میزان را باسوادان مقطع ابتدایی و دبیرستانی با ۲۹/۳۷ و ۲۵/۱۱ تشکیل می‌دهند که سهم مردان و زنان در آن متفاوت است. بیشترین گروه باسواد در بین زنان را باسوادان مقطع ابتدایی با ۲۵/۳۴٪ به خود اختصاص داده‌اند و گروه باسوادان دبیرستانی و دانشگاهی در بین زنان بسیار اندک است. در بین مردان نیز گروه باسوادان دبیرستانی با ۳۶/۵۷٪ بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند هرچند میزان باسوادان دانشگاهی در این گروه جنسیتی نیز بسیار کم است (۲/۲٪)، اما آمار حاکی از برتری قابل‌ملاحظه میزان سطح سواد مردان بر زنان در این اسکان غیررسمی است (نمودار ۱).

نمودار ۱- مقایسه وضعیت تحصیلی ساکنان به تفکیک جنسیت



ج) ویژگی‌های اقتصادی

در بررسی‌های مربوطه از منظر فعالیت‌های اقتصادی، سهم جمعیت فعال آن از کل جمعیت معادل ۳۳/۱۴٪ است و جمعیت غیرفعال ساکن در این ناحیه ۶۶/۸۶٪ کل جمعیت را تشکیل می‌دهند (جدول ۵).

جدول ۵- وضعیت فعالیت و اشتغال در چمن

شاخص	جمعیت فعال	جمعیت غیرفعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار
درصد	۳۳/۱۴	۶۶/۸۶	۸۰/۳۵	۱۹/۶۵

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

نتایج حاصل از پردازش داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ی خانوار که درباره‌ی نوع و درجه‌ی مهارت و تخصص شاغلان به دست آمده است نشان می‌دهد که از بین شاغلان چمن ۱۱/۶۸٪ از آنان دارای مهارت نسبی هستند که موجب گردیده اکثر افراد فاقد مهارت و تخصص، جذب اقتصاد غیررسمی گردند. پس از مشاغل کاذب و غیررسمی، بخش خدمات و صنعت در مراتب بعدی هستند (جدول ۶).

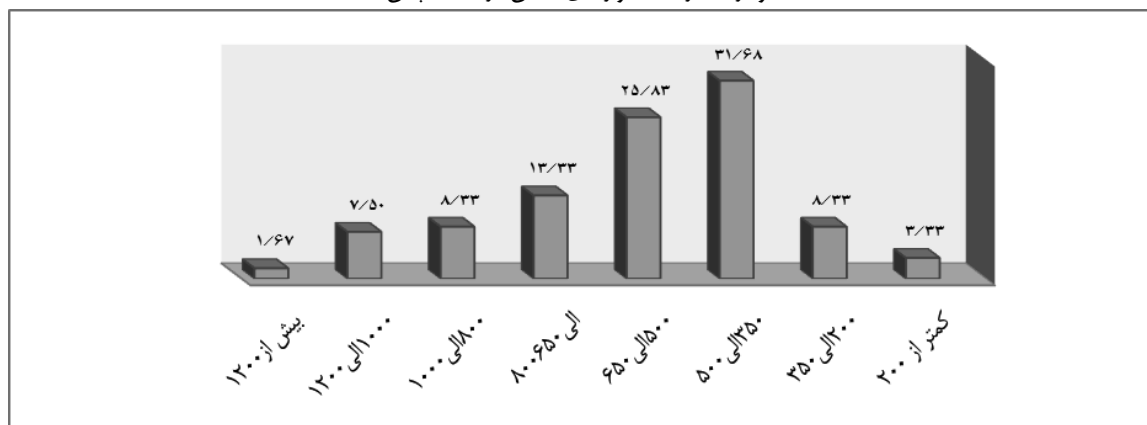
جدول ۶- درصد شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی

بخش خدمات	بخش کشاورزی	بخش صنعت	بخش رسمی	بخش غیررسمی	افراد ماهر و نیمه ماهر	شرح
۳۵/۹۷	۱/۴۴	۸/۶۳	۴۶/۰۴	۵۳/۹۶	۱۱/۶۸	درصد افراد

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

با توجه به این که از سوی رئیس شورای رقابت اعلام گردید که خانوارهای شهری با درآمد ماهانه کمتر از ۹۴۶ هزار تومان زیرخط فقر هستند (به نقل از خبرگزاری ایسنا، ۹۲/۴/۱۱) و بر اساس نتایج تحقیقات میدانی توسط نگارندگان می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۸۰٪ ساکنان چمن در زیرخط فقر زندگی می‌کنند و حدود نیمی از آن‌ها به حداقل حقوق کارگری نیز دسترسی ندارند (نمودار ۲). این مسئله موجب گردیده که بیش از ۹۰٪ ساکنان فاقد پس‌انداز باشند.

نمودار ۲- درآمد خانوارهای ساکن در محله چمن



د) مسکن

همان‌گونه که در جدول ۷ آمده است بیش از ۷۵٪ ساکنان محله دارای مسکن ملکی هستند و ۱۷/۵٪ نیز مستأجر هستند و ۶/۶۷٪ نیز به‌صورت رایگان از مسکن خود بهره می‌برند که این افراد بیشتر در منزل اقوام (پدر و مادر و یا پدربزرگ و مادربزرگ و...) ساکن می‌باشند. نکته قابل‌تأمل در این بحث وضعیت مالکیت است و همان‌گونه که گفته شد این اسکان غیررسمی از تقسیم و فروش غیرقانونی زمین‌های دولتی و عمومی شکل گرفته است و درواقع زمین این اسکان جزء اراضی ملی است که در دوران انقلاب از سوی واسطه‌ها این اراضی که به اراضی خصوصی متصل بودند تقسیم و به متقاضیان به فروش رسید. در حال حاضر مسکن‌های ادواری در چمن فاقد سند ثبتی بوده و خرید و فروش آن‌ها به‌صورت قولنامه‌ای و توافقی است. این مسئله یکی از عوامل کاهش قیمت زمین و مسکن به یک‌هشتم قیمت آن در شهر کرمانشاه است.

جدول ۷- نحوه‌ی تصرف مسکن در محله چمن

نوع تصرف	ملکی	اجاره‌ای	سکونت رایگان
درصد	۷۵/۸۳	۱۷/۵	۶/۶۷

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

بر اساس نتایج تحقیقات میدانی از خانواده‌های مورد مطالعه در این اسکان مشخص گردید که بیشترین مساحت واحدهای مسکونی ۵۰ مترمربع و کمتر است (۴۸/۳۳٪) و درواقع حدود ۹۵٪ از خانواده‌های مورد پرسش در واحدهای مسکونی کمتر از ۱۰۰ مترمربع ساکن هستند. همچنین اکثر ساختمان‌های موجود در این اسکان غیررسمی، یک طبقه هستند (۷۷/۵٪). این جدول نشان می‌دهد که ۲۲/۵٪ نیز دوطبقه هستند. در خصوص قدمت ساختمان‌های موردنظر، مشخص می‌گردد، اکثریت این منازل قدمتی بیش از ۱۰ سال دارند و بیشتر آن‌ها نیز (۶۷/۵٪) قدمتی در حدود ۱۱ تا ۳۵ سال دارند که این خود فرسودگی این اسکان را نشان می‌دهد (جدول ۸).

جدول ۸- سازه ابنیه موجود در اسکان

کیفیت سازه ابنیه	اسکلت فلزی	آجر، آهن یا آجر سنگ	تیر چوبی یا آجر یا سنگ	سقف چوبی و دیوار خشتی و گلی
تعداد	۴	۶۸	۲۵	۳
درصد	۳/۳۳	۵۶/۶۷	۳۷/۵	۲/۵

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

در خصوص نحوه احداث مسکن موجود مشخص گردید که ۹۰٪ آن‌ها به‌صورت بنایی و کارگری و بدون رعایت اصول مهندسی ایجاد گردیده است (جدول ۹).

جدول ۹- کیفیت احداث ابنیه موجود در اسکان

کیفیت احداث	مهندسی ساز	معماری سنتی	بنایی، کارگری	احداثی توسط خانوار
تعداد	۳	۷	۱۰۸	۲
درصد	۲/۵	۵/۸۳	۹۰	۱/۶۷

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

ه) سرانه کاربری‌های موجود در محله

بررسی کاربری‌های موجود در محله نشان می‌دهد که این محله فاقد کاربری‌های فضای سبز، درمانی، تأسیسات شهری، اداری و انتظامی است و سایر کاربری‌های آن در سطح نامطلوب است (شکل ۲). در مقایسه سرانه کاربری‌های موجود محله و سرانه کاربری‌های موجود شهر، کمبودها بیشتر مشخص می‌شود (نمودار ۳).

نمودار ۳- مقایسه سرانه موجود کاربری‌های موجود در محله چمن و شهر کرمانشاه



و) مشارکت‌پذیری ساکنان

با توجه به تحقیق صورت گرفته در خصوص میزان مشارکت ساکنان در گروه‌های موجود در محله، شرکت در هیئت مذهبی بالاترین آمار را به خود اختصاص داده است (جدول ۱۰).

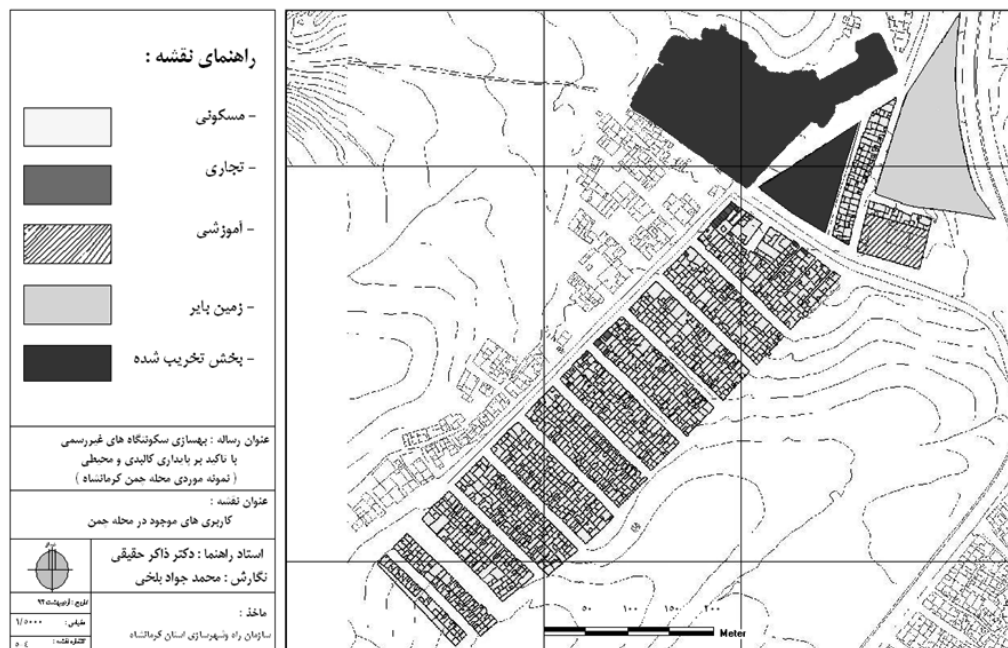
جدول ۱۰- مشارکت ساکنان در گروه‌های غیردولتی فعال در محله

گروه‌های فعال	هیئت مذهبی	اجتماع عمومی	صندوق محلی	اولیا و مربیان
درصد مشارکت	۸۴/۱۷	۲۳/۳۳	۳/۳۳	۳۰

مأخذ تحقیقات میدانی نگارنده

همچنین در تحقیق صورت گرفته در خصوص توانایی ساکنان و افراد مورد پرسش جهت برطرف کردن مشکلات موجود در محله نتایج حاکی از این موضوع است که اکثر افراد یعنی ۸۰٪ به کمک اهالی برای برطرف کردن مشکلات اعتقادی ندارند و ۹۵٪ این افراد تمایلی به مشارکت در این امر ندارند (جدول ۱۱).

شکل ۲- کاربری‌های موجود در محله چمن



جدول ۱۱- میزان تمایل ساکنان برای مشارکت در حل مشکلات محله

تمایل افراد به مشارکت در حل مشکلات		اعتقاد به توانایی اهالی برای مشارکت	موارد مورد پرسش
پول	وقت و کار		
۰/۸۳	۴/۱۷	۲۰	الف- مذاکره با شهرداری برای نحوه خدمات رسانی (مانند جمع آوری زباله)
۳/۳۳	۳/۳۳	۶/۶۷	ب- سازمان دهی و عملی کردن تمیز کردن خیابان‌ها و جمع آوری زباله
۰	۰/۸۳	۲/۵	ت- ساختن تأسیسات عمومی (مکان‌های ورزشی ...)
۰	۱/۶۷	۱/۶۷	غیره

مآخذ: تحقیقات میدانی نگارنده

نتیجه گیری

در تحقیقات صورت گرفته حس تعلق به مکان در بین ساکنان بسیار پایین بوده است و تمایل به مشارکت نیز بسیار اندک بود که این مسئله توانمندسازی ساکنان و ساماندهی محله را با مشکل مواجه می‌کند ریشه‌ی این امر را می‌توان در این مسئله دانست که محله در اراضی ملی احداث گردیده و ساکنان آن فاقد سندملکی برای واحد مسکونی خود هستند و مالکیت آنان به رسمیت شناخته نشده، و به این دلیل ساکنان نمی‌توانند از تسهیلات و وام‌های بانکی استفاده کنند همچنین نامشخص بودن وضعیت مالکیت موجب بی‌انگیزگی و عدم تمایل برای بازسازی و تعمیر واحدهای مسکونی آنان گردیده است و تخریب بخشی از این اسکان موجب بدتر شدن اوضاع و افزایش بدبینی و بدگمانی ساکنان به ادامه سکونت در محل گردیده است. لذا اولین گام برای توانمندسازی و ساماندهی این سکونت‌گاه ایجاد نوعی امنیت روانی از طریق تعیین تکلیف مالکیت واحدهای مسکونی است در واقع اولین گام برای توانمندسازی برطرف کردن مشکل مالکیت است که نتایج مهمی در پی خواهد داشت و موجب همراهی مردم با برنامه ساماندهی خواهد شد. جهت توانمندسازی ساکنان پیشنهاداتی ارائه می‌گردد:

- تشکیل نهادهای و گروه‌های محلی (NGO) و سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های داوطلبانه مردمی (CBO) برای استفاده از پتانسیل‌های مردمی، مشارکت و ایفای نقش در امور مختلف محله.

- افزایش توان اقتصادی خانوارها از طریق توسعه تعاونی‌ها با نقش هدایت‌گر بخش دولتی و صندوق‌های خرده‌وام کم‌بهره.
 - آموزش فنون و مهارت‌های فنی لازم برای به دست آوردن مشاغل مناسب و دائمی.
 - استفاده از ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان محله و فرهنگ‌سازی برای صرفه‌جویی و ارتقای نقش آنان در مدیریت مالی خانواده.
 - استفاده از نفوذ بزرگان و معتمدین محلی و افرادی که درمیان مردم دارای جایگاه هستند جهت جلب مشارکت ساکنان.
- همچنین پیشنهادانی جهت بهسازی اسکان غیررسمی چمن ارائه می‌گردد:
- ۱- ایجاد زیرساخت‌های شهری موردنیاز محله شامل گاز شهری، جریان دفع آب سطحی، برق و روشنایی عمومی که این مسئله با توجه به قرارگیری در محدوده قانونی و خدماتی شهری و دریافت عوارض نوسازی و سایر عوارض از سوی شهرداری علی‌رغم به رسمیت نشناختن مالکیت ساکنان صورت می‌گیرد، این اقدام می‌تواند با حمایت بخش دولتی و با مشارکت خود مردم صورت گیرد و ارائه این خدمات با افزایش ارزش زمین و مسکن که خود در جلوگیری از ورود افراد دیگر و رشد بی‌برنامه این اسکان مؤثر است همراه خواهد بود.
 - ۲- تغییر محل ورودی اسکان با توجه به قرار گرفتن آن در پیچ نسبتاً تنگی که دید رانندگان را کم و خطر بروز تصادفات را زیاد کرده است و همچنین ایجاد پل عابر پیاده برای ایمن کردن عبور و مرور ساکنان.
 - ۳- عرصه‌ی ارزان‌قیمت مصالح با دوام برای ساخت‌وساز و بهسازی واحدهای مسکونی از سوی سازمان‌های مدیریت شهری و وام‌های بلندمدت و میان‌مدت با هدف ارتقای کیفیت و استحکام خانه‌ها.
 - ۴- احداث فضاهای آموزشی - بهداشتی (فقدان مدرسه راهنمایی، مهدکودک و مرکز بهداشت در محله کاملاً مشهود است) و کمک به ارتقای سطح فرهنگی مردم در زمینه تنظیم خانواده و رعایت مسائل بهداشتی از طریق ایجاد این کاربری‌ها.
 - ۵- ایجاد امکانات تفریحی و گذران اوقات فراغت در محله، می‌توان از ساعت‌های بی‌استفاده ماندن فضاهای آموزشی برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و... بهره برد.
 - ۶- بهبود سرانه‌ی کاربری‌های شهری در محله از طریق افزایش دادن سرانه‌های مسکونی، فرهنگی، آموزشی، تجاری و ایجاد یک مرکز محله با محوریت مسجد محله، مرکز خرید و... با حمایت دولت و مشارکت مردم و بخش خصوصی با استفاده از اراضی بایر و موات در محله.
 - ۷- تلاش در جهت ارتقای سلامت و بهداشت محیط با منظم کردن خدمات شهری ارائه‌شده از سوی شهرداری (مانند: جمع‌آوری زباله خانوارها، نظافت محله) با کمک و مشارکت ساکنان و جلوگیری از فعالیت‌های تهدیدکننده محیط برخی از ساکنان مانند: نگهداری احشام
 - ۸- تخریب و جابجایی آلودگی‌های احداث‌شده در بخش غربی و ایجاد کمربند سبز برای جلوگیری از توسعه‌ی سکونت‌گاه در اراضی کشاورزی بخش غربی اسکان موردنظر
 - ۹- تلاش در جهت برقراری هرچه بیشتر امنیت و مقابله با وندالیسم اجتماعی با ایجاد پاسگاه و یا کشیک‌های شبانه پلیس با کمک مردم و به‌خصوص پایگاه بسیج محله.

فهرست مراجع

۱. ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۸۹)، سکونت‌گاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشین، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲. پاتر، رابرت. ب. و سولی‌ایوانز (۱۳۸۴)، شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایران‌دوست و دیگران، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۳. پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در ساماندهی اسکان غیررسمی (مورد محلات نای بند، شیر سوم و خواجه عطا شهر بندرعباس، مطالعات شهری و منطقه‌ای، تابستان، سال دوم، ش پنجم: صص ۵۴-۲۹).
۴. پورمحمدی، محمدرضا و رضا جهان‌بین (۱۳۸۸)، ادامه حیات اسکان غیررسمی و رویکرد توانمندسازی به‌مثابه نوین‌ترین راهبرد مقابله با آن (مطالعه موردی شهر تبریز)، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال اول، ش ۱: صص ۵۲-۳۳.
۵. پیران، پرویز (۱۳۸۲)، اجتماعات اسکان غیررسمی در ایران: از دنیای زنده زندگی روزمره تا تحلیل نظری، در گزارش کارگاه تخصصی اسکان غیررسمی (به کوشش محمد بوچانی)، نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۶. پیری، عیسی و هم کاران (۱۳۹۱)، امکان‌سنجی به‌کارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی ناحیه گل شهر مشهد، فصل‌نامه مطالعات شهری و منطقه‌ای، بهار، سال سوم، ش ۱۲: صص ۱۳۴-۱۱۹.
۷. تدبیرشهر، مهندس مشاور، ۱۳۸۲، مطالعات امکان‌سنجی بهسازی شهر نگار و توانمندسازی اجتماعی شهر کرمانشاه (مرحله اول)، بهار، (برای وزارت مسکن و شهرسازی).
۸. جوان، جعفر (۱۳۸۴)، نگرشی کوتاه بر ساخت‌وسازهای غیرمجاز در حاشیه شهر مشهد، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، بهار، ش ۴.

۹. چیماء، جی شایبر، (۱۳۷۹)، مدیریت شهر: خط‌مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه پرویز زاهدی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول.
۱۰. حاتمی نژاد، حسین و جواد حسین اوغلی، (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی برخی شاخص‌ها در سکونت‌گاه‌های غیررسمی اطراف کلان‌شهر تهران (مطالعه موردی: حصار امیر و شهرک انقلاب)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، بهار، ج ۹، ش ۱۲: صص ۲۹-۷.
۱۱. سازمان مسکن و شهرسازی، (۱۳۸۲)، مطالعات امکان‌سنجی بهسازی شهر نگار و توانمندسازی اجتماعی شهر کرمانشاه (مرحله اول)، مهندسین مشاور تدبیر شهر، بهار.
۱۲. شفیعا، محمدعلی وسعید شفیعا، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی نمونه: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، تابستان، سال بیست و سوم، ش پیاپی ۴۶: صص ۱۳۹-۱۶۴.
۱۳. شوگیل، چارلز ال، (۱۳۸۱)، آینده توسعه شهری برنامه‌ریزی شده در جهان سوم، مترجم شهرزاد مهدوی، فصلنامه هفت شهر، پاییز و زمستان، سال سوم، ش ۹ و ۱۰: صص ۴۲-۵۱.
۱۴. صرافی، مظفر، (۱۳۸۱)، به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی، فصلنامه هفت شهر، ۱۳۸۱، تابستان، ش ۸: صص ۱۵-۱۱.
۱۵. قرخلو، مهدی و محمد میره، (۱۳۸۶)، توانمندسازی اجتماعی، راه‌حلی برای حاشیه‌نشینی (شیخ‌آباد قم)، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، بهار، سال دوم، ش سوم: صص ۱۱۱-۱۲۶.
۱۶. کمان رودی، موسی، (۱۳۷۷)، اسکان غیررسمی در تهران ساماندهی در منطقه ۶ شهرداری پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. گیلبرت، آن و ژوزف گاگلر، (۱۳۷۵)، شهرها فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصر، تهران: انتشارات شهرداری.
۱۸. لاکویان، آپرودیسوا، (۱۳۶۴)، خانه‌سازی در جهان سوم، مترجم مینو رفیعی، انتشارات برنامه‌و بودجه، تهران.
۱۹. مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
۲۰. میره، محمد، (۱۳۸۴)، بررسی و ساماندهی اسکان غیررسمی در شهر قم: مورد شیخ‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا: دانشگاه تهران.
۲۱. وزرای مسکن و شهرسازی آسیا-اقیانوسیه، (۱۳۸۷)، مجموعه گزارش‌های ملی و منطقه‌ای اجلاس تهران، دومین اجلاس توسعه شهری پایدار: همراهی رشد با عدالت و با هویت، تهران: انتشارات معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۲. هیراسکار، جی کی، (۱۳۷۶)، درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمد رضایکانی‌فرد، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
23. Abbott, J; 2000 , *Upgrading informal settlements for integration the formal city.* Denmark, June 15-18, 2000.
24. G ilbert, A, 1994, *The Latin America city.* Latin America Bureau, London.
25. Lana, Winayanti ; Heracles, C, 2000, Provision of urban services in an informal settlement; a case study of kampungpeanas Tanggul, *Jakarta, university of Camberra, Australia*, ACT 2061,
26. Mitlin, Diana & David Satterthwaite, 2004, Empowering Squatter Citizen Local Government, *Civil Society and Urban Poverty Reduction, Earthscan* , London . Sterling, VA
27. Pugh, Cedric, 2000, Squatter Settlements, Their Sustainability Architectural Contributions, and Socio-Economic Roles. In : *Cities* vol.17, no5, pp325-337
28. UNESCAP, 2001, Municipal and Management in Asia: A comparative study, In: *United Nation Economic and Social Commission for Asia and Specific.*
29. UN-Habitat, 2008, an asset-based Approach to Community Development and Capacity Building. Nairobi: *Earthscan Publication*